[16] ونیز آثار زشت این واقعه پرنیرنگ بود که امام حسن علیه السلام را وادار به قبول صلح نمود. معاویه برای آنکه به آرزوهای طلائی خود برسد خونخواهی عثمان را دستاویز خود قرار داد، امام أو را به پذیرش فرمانش دعوت کرد اما أو استنکاف ورزید، وبرای آنکه به هدفش نائل گردد از عمرو بن عاص که به شهادت تاریخ مردی حیله گر ودغلکار بود وخودش می گفت من به هر جراحتی که انگشت زدم آنرا خونین کردم، یاری خواست، مردم نیز بخاطر ترس یا طمع در مال دنیا به معاویه گرویده وکم کم کار أو بالا گرفت وحکومتش توان یافت، در این لحظه معاویه آمادهء جنگ شد وبه حرکت درآمد وبه صفین رسید، امام هنوز در کوفه بود وفرزندش امام حسن علیه السلام با ایراد سخنرانیهای مختلف مردم را به جنگ تحریض می کرد، آنگاه که دو لشکر در مقابل هم قرار گرفتند امام برای آنکه از جنگ جلوگیری کند سعی فروانی نمود، اما تلاش ایشان تأثیري نبخشید وجنگ آغاز شد. سیاست مزورانه معاویه ایجاب می کرد که رهبران لشکر امام را با تهدید وتطمیع فریب دهد وبسوی خود جلب نماید، از اینرو تصمیم گرفت امام حسن علیه السلام را نزد خود بخواند، برای اجرای این سیاست عبیدا بن عمر (2) را نزد امام فرستاد واو به امام گفت: با تو کاری دارم،

_____ 1 - عبید ا بن عمر در زمان پیامبر بدنیا آمد از ولی آن حضرت حدیثی نقل ننمودوفقط به پدرش عمر فخر می کرد، أو در جنگ صفین به معاویه ملحق شد، روزی با جامهء خز وآرایش کرده بیرون آمد و گفت: فردا که علی با ما روبرو شود خواهد فهمید که چه بر سرش می اید، امام فرمود: رهایش کنید خونش خون پشه است، أو در صفین کشته شد. (*) _____